

عنوان مقاله: فن آوری اطلاعاتی، اعتماد و دگرگونی اجتماعی در جهان عرب

نویسنده: مامون فندی

ترجمه: جهانشیر سیاه منصوری

مامون فندی



مامون فندی، نویسنده و پژوهشگر سیاسی مصری



چکیده

- بسیاری تصور می کنند که ظهور فن آوری های جدید ارتباطی واقعیت های سیاسی و اجتماعی منطقه را به طور عمیقی تغییر خواهد داد. چنین پیش فرضی ممکن است اهمیت نقشی را که اعتماد در جوامع عربی ایفا می کند، نادیده بگیرد. در خاورمیانه عربی هنوز کسب اطلاع از طریق منابع شفاهی گاه از منابع نوشتاری اعتبار بیشتری دارد. مقاله حاضر، که توسط یکی از متخصصان مسایل جهان عرب نوشته شده است، می کوشد که تاثیر رسانه های جدید را در این منطقه بررسی کند.

واقعیت های سیاسی و اجتماعی منطقه

چکیده

- وی با بررسی سه نمونه مصر، عربستان سعودی و قطر، میزان توانایی رسانه های جدید و ارتباط میان این وسایل و اعتماد را می سنجد و نشان می دهد که فن آوری های جدید اطلاعاتی و ظهور جامعه مدنی با حوزه عمومی به تنهایی منجر به تغییرات سیاسی و اجتماعی نمی شود، بلکه مساله اصلی، ارتباط و اعتماد موجود میان آنها است.

تغییرات سیاسی و اجتماعی

کلید واژه ها

- خاورمیانه عربی، فن آوری های اطلاعاتی، تغییرات اجتماعی، اسلام گرایی، جهانی شدن



• آمدن اینترنت و رشد قارچ گونه آنتن های ماهواره ای بر پشت بام های منازل اعراب ممکن است در عرب به عنوان نشانه ای از عقب نشینی دولت، رشد جامعه مدنی، ظهور فضای عمومی و شاید سرآغازی (طلیعه ای) برای سیاست های جدید تلقی شود. به رغم شور و اشتیاق مربوط به ابزارهای مدرن ارتباطی و تاثیرشان بر سیاست های عربی جدایی میان این ابزارها و واقعیت های سیاست های عرب و جوامع عربی تعجب برانگیز است.

۱-عقب نشینی دولت

۲- رشد جامعه مدنی

۳-ظهور فضای عمومی



مامون فندی، روزنامه نگار مصری -
آمریکایی

• این مقاله با تمرکز بر ارتباط سیاسی، رسانه های جمعی جدید و تاثیرشان بر جهان عرب به این معمای آشکار پاسخ می دهد. اگر کسی نظاره گر سیاست های دولت های عربی باشد این نکته را که اکثر دولت های عربی تقریبا بر همه وسایل ارتباط جمعی نظیر نشریات، رادیو و تلویزیون کنترل دارند، رد نمی کند و به طور طبیعی انتظار خواهد داشت که زبان این دولت ها، زبان سیاسی مسلط در جهان عرب باشد.

کنترل



- با وجود این، زبان مسلط در جهان عرب، حداقل در دو دهه گذشته زبان مخالفان و اسلام گرایان بوده و یا دست کم تحت تسلط نمادهای اسلامی بوده است. با فرض این که دولت ها این گروه از رسانه های مخالف را تحمل می کند، اما گفتان این رسانه ها مسلط است، یک معما است. از این رو، قبل از این که پیوندی میان اشاعه کنترل دولت وسایل مدرن ارتباطی و تغییرات سیاسی در جهان عرب برقرار سازیم، ناچاریم به پرسش های زیر بپردازیم:

- چرا گفتمان اسلام گرایان به رغم عدم دسترسی به وسایل ارتباطی مدرن هنوز گفتمانی مسلط است؟
- چرا به رغم دسترسی نخبگان دولتی به وسایل ارتباط جمعی و دیگر ابزارهای کنترل اجتماعی، گفتمان دولت تسلط نمی یابد؟
- چرا هژمونی دولت عرب ضعیف است؟
- چه رابطه ای میان ارتباط و اعتماد وجود دارد؟



- قبل از این که به این سوالات پاسخ داده شود، شایسته است تا آن دسته از فرضیه هایی که رسانه های جمعی جدید را به تغییرات سیاسی و اجتماعی عرب پیوند می دهد- هم از لحاظ نظری و هم از لحاظ تجربی- بررسی کنیم.

رسانه های جمعی جدید

- جامعه شناسان کلان نگر و مورخان اقتصادی در خصوص ارتباط میان دگرگونی های فن اورانه و آزادسازی سیاسی با رشد اقتصادی در همه جا اختلاف نظر دارند. «جیمز بینگر» در ارتباط با میان آزاد سازی و فن آوری های جدید از نقطه نظر جامعه شناختی، استدلال می کند که انفجار اطلاعات که از جریان های عظیم اطلاعاتی و داده های همراه با انقلاب صنعتی ناشی می شد، پاسخی به بحران کنترل بوده است.

- در واقع تحرک کالاها، اطلاعات و پردازش آنها نیازمند ابزارهای کنترل جدیدی بود و به همین دلیل ابتکار و نوآوری هایی نظیر تلگراف، تلفن و حفظ تولید و مدیریت علمی به وقوع پیوست. نتایج استدلال بینگ، تئوری رسانه ای و تئوری مدرنیزاسیون را هم زمان رد می کند. استدلال دیگری که پیوستگی میان فن آوری و رشد اقتصادی را رد می کند.

پیوستگی میان فن آوری و رشد اقتصادی



رابرت فوگل

• استدلال دیگری که پیوستگی میان فن آوری و رشد اقتصادی را رد می کند. استدلال دیگری که پیوستگی میان فن آوری و رشد اقتصادی را در می کند، از طرف **رابرت فوگل** یکی از متخصصان بزرگ تاریخ اقتصادی ایالات متحده، مطرح شده است. وی در کتاب راه آهن و رشد اقتصادی امریکا آورده است: « به رغم رشد قابل توجه، سریع و چشمگیر در خلال نیم قرن اخیر، راه آهن نقش عمده ای را در توان تولید اقتصادی به عهده ندارد.»



• نظریه وی خیلی مهم بود و به بحث گسترده یا میان دانشمندان آن دوره منجر گردید، زیرا تئوری پردازان توسعه میان رشد اقتصادی و دگرگونی های سیاسی پیوند خاصی را قایل می شوند. داده ها و تحلیل های جدیدتر از کشور چین نیز نکته مشابهی را نشان می دهد.

رابرت فوگل

- «دانیل لیچ» با بررسی دقیق مورد چین نشان می دهد که باز کردن فضای عمومی، نتیجه فروپاشی اداری و اصلاح حقوق مالکیت است تا فن آوری اطلاعاتی. در این چهارچوب وی یمن فضای عمومی در یک حکومت اقتدارگرا و فضای عمومی در یک حکومت دموکراتیک تفاوت قایل می شود. در یک حکومت اقتدارگرا فضای عمومی ان چنان که لیبرال ها از آن برخوردارند مکان آزاد مباحثه نیست. این فضای عمومی سازمان یافته است و قواعد بازی می تواند توسط اعمال نفوذ دولت در هر زمانی تغییر یابد.

اصلاح حقوق مالکیت

فروپاشی اداری

بررسی پایه تئوریک مباحث فعلی

- بدون توجه به اختلاف نتایج، مباحث فعلی جهانی شدن، رشد اینترنت، رسانه های جمعی جدید و پیچیدگی هایشان، برای سیاست های عربی شامل مباحث قدیم، مدرنیزاسیون و ادبیات توسعه نیز می شود. از این بابت به نظر می رسد که بعضی از محققان برای اجتناب از دقت تحلیلی و به طرفداری از این هوچی گری جدید، مدعی پیوستگی میان رسانه های جمعی جدید و ظهور فضای عمومی و جامعه مدنی در جهان عرب می شوند.

رسانه های جمعی جدید و پیچیدگی
هایشان



ساموئل هانتینگتون

• فرضیه زیربنایی این مطالعات این است که با گسترش رسانه های جمعی جدید ارتباطی نظیر نمابر، تلفن، آنتن ماهواره ای و سرانجام اینترنت، نظم اقتدارگرایانه عربی خواهد شکست. تبارشناسی روشنفکرانه این مباحث دست کم بر حسب جنبه ارتباطی می تواند به تئوری رسانه های جمعی «مک لوهان» بر گردد که استدلال می کند چالش های وسایل ارتباط جمعی اثراتی بر مسیر تکامل جامعه و تغییرات اجتماعی دارد. پدران روشنفکر این استدلال در علوم سیاسی به طور اعم و مطالعات خاورمیانه به طور اخص، ساموئل هانتینگتون و دانیل لرنر هستند.

- این حقیقت که مطالعه رسانه های جمعی جدید و اثراتش بر جهان عرب گفتمان روز است، نباید ما را از جست و جوی دقیق و تحلیل بیشتر در این زمینه منحرف سازد. **جبرگرایی فن آوران**، در وضعیتی که تاریخ بشر تاریخ فن آوری بوده، همیشه گمراه کننده است. این حقیقت که تعدادی از محققان تقریباً کار کمی سزی انقلاب فن آوری ارتباطی را شروع نموده اند، **نه تنها از نظر آماری کافی نیست**، بلکه به گسترش ساختارهای ارتباطاتی نظیر نرخ رشد اینترنت با افزایش تعداد ایستگاه های تلویزیون و ماهواره موجود در جهان عرب نیز توجه نمی کند.

- این اقدام ممکن است صرفاً در سطح جمع آوری داده ها (اطلاعات) مفید باشد، اما نباید با کل داستان اشتباه گرفته شود، زیرا داده ها نیازمند چارچوبی برای انباشت و تغییر می باشند، مگر این که فرض نماییم که مردم منطقه و فرهنگشان اصلاً اهمیت ندارد. برای شناسایی و تشخیص این دگرگونی سریع، بعضی از محققان به این نتیجه رسیده اند که انقلاب ارتباطاتی به معنای گسترش فضای سیاسی است.

گسترش فضای سیاسی

- دو فرضیه استدلال آنان را تقویت می کند، **فرض اول** اینکه آنان تصور می کنند استمرار و تداوم اقتدارگرایی در نتیجه وجود شهروندان متحد الشكل است و در نتیجه دسترسی به اطلاعات می تواند سبب آگاهی مردم عرب گردد؛ **دوم** اینکه، این نوع از تحلیل ها منحصر به فرم و شکل ساختارهای ارتباطاتی تکیه می کند تا به محتوای آن، یعنی کمتر به توضیح محتوا می پردازد و یا اینکه این محتوا را به چهارچوب بزرگتر اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی مرتبط می سازد.

ساختارهای ارتباطاتی

- بنابراین اگرچه جهان عرب شاهد رشد انفجارگونه رسانه های جمعی جدید بوده است. این رشد در چارچوب خود با ظرفیتی ویژه، برای جذب و مطابقت با این پیشرفت های جدید به وقوع پیوسته است. با این حال ما هنوز ناچاریم که تغییرات اجتماعی موجود در کشورهای عربی را که در اثر **مدرنیزاسیون سریع** و به کارگیری فن آوری پدید می آید، به عنوان مثال، در کشورهای خلیج فارس و با اینکه با به کارگیری اندک فن آوری به وجود می آیند، نظیر سودان و یمن، با یکدیگر مقایسه نماییم.

- اگر نهادهای ارتباطی سیاسی قدیم و جدید را تجزیه و تحلیل کنیم، تا حدی می توان به این مسئله پاسخ داد که ناکامی ابزارهای مدرن و پست مدرن ر جهان عرب به موضوعات بزرگتر ارتباط و اعتماد مرتبط است، به این مفهوم که ساختار، ابزارها و فرآیندهای جدید مدرنیته، به خصوص رسانه های جمعی، معمولاً جذب چارچوب محلی می شوند. بعضی از فن اوری ها ممکن است حداقل در بخش های ویژه این جوامع به سادگی با جامعه پیوند بخورد، یا در مکان هایی ممکن است رادیو وسیله اصلی ارتباط باشد

ساختار، ابزارها و فرآیندها

- در حالی که در بخش های دیگر امکان دارد تلویزیون مسلط باشد. با وجود این، در بخش های دیگر ممکن است ابزارهای غیر مدرن کارآترین وسیله ارتباط باشد، ولی این مشکل خیلی حاد نیست. مشکل اصلی زمان پدید می آید که ما وسایل و فرایندهایی را که منعکس کنند، صورت های ساختارهای غربی، همراه با کارکردهای مشخص مورد انتظار هستند، فراموش کنیم.

ابزارهای غیر مدرن

- به عبارت دیگر، فقط به دنبال مشاهده آنچه آشنا است و گزینش داده ها بر آن اساس باشیم. دلیل اصلی ناکامی ابزارهای مدرن، تعصب گروهی در نشان دادن آنها به عنوان وسایل مدرن ارتباطی است، به عنوان مثال، ابزارهایی که دانش نوشتاری را بر دانش گفتاری (شفاهی) مزیت می بخشد یا عربی رایج (متعارف و رسمی) را از عربی محلی برتر می داند، در جهان عرب ریشه نمی گیرد.

دانش نوشتاری

دانش گفتاری



• محققانی که ارتباطات و فن آوری را در جهان عرب مطالعه می کنند، بر ابعاد گوناگون فن آوری متمرکز شده و تاریخ، جامعه و ابعاد بشری هان عرب را به فراموشی می سپارند. آنان با مطالعات اندکی بر این اساس سعی نموده اند تا آداب و رسوم مردم و یا تعاملاتشان را با اشکال جدید رسانه های جمعی بررسی کنند. با وجود این درباره شیوه پذیرش رسانه های جمعی در جهان عرب بسیار کم صحبت شده است، به عنوان مثال، هنگامی که برای اولین بار رادیو در جهان عرب عرضه گردید- خواه تحت مالکیت بخش خصوصی یا بخش دولتی- بعضی از مردم در کافه های محلی به آن گوش می دادند.

- کافه ها همانند سالن ها بودند که اعراب در آن جا به تلویزیون، ویدئو و ماهواره دسترسی داشتند. هم اکنون کسانی که فن آوری جدید اطلاعاتی در جهان عرب را مطالعه می کنند، از کافی نت های اینترنتی سخن می گویند، اما بر دست یابی به فن آوری تمرکز می کنند. اگرچه چیزهایی وجود دارد که در مورد دسترس به این وسایل جدید ارتباطی گفته شود، اما در این مورد به ساختارهای زیربنایی اجتماعی که کافه ها را به محل ارتباطی جمعی تبدیل می کند، بسیار کم پرداخته شده است.

ساختارهای زیربنایی اجتماعی

- آنچه ب همان اندازه در مورد ملاحظات جمعی در جهان عرب مهم است، این است که چگونه این ملاحظات جمعی با اینترنت و دیگر فن آوری های ارتباطی جدید مرتبط می شود؟ اگر کسی نقد مرا از ادبیات نوپایی جدید اطلاعاتی را با گسترش جامعه مدنی و ظهور فضای عمومی پیوند می دهد.

گسترش جامعه مدنی و ظهور فضای عمومی

- به عنوان بخشی از گفتمان ما جهانی شدن طبقه بندی کند، به نکته اصلی استدلال من دست نخواهد یافت. به بیان دقیقتر من برای یک تصور تفکیک شده جهانی شدن استدلال می کنم، جهانی شدن نتیجه مدرنیته است و با قرار دادن آن ر این چارچوب فهم ما از فن آوری های قدیم و جدید و استلزامات آنها برای جوامع عرب ممکن خواهد شد.

تصور تفکیک شده جهانی شدن

- یکی از نتایج عمده مدرنیته، دور کردن زمان و مکان - آنچنان که مدرنیته زمان را تسریع و مکان را محدود می کند- و محدود کردن تعاملات رودررو به نفع تعاملات غیر رودررو و ترک پاره ای روابط اجتماعی خارج از چارچوب محلی و وارد کردن دوباره آنها در یک چهارچوب جهانی جدید می باشد.

- همان طور که ما وقوع حادثه ای را در تلویزون می بینیم، تصور می کنیم ه ان حادثه در جلوی چشمانمان اتفاق می افتد و آن را مطابق چارچوب مرجع یا چارچوب تهیه شده به وسیله دوربین ها یا گزارش های تفسیر می کنیم و اطمینان داریم که آنچه می بینیم واقعی است. اما مفهوم اطمینان وابسته به مدرنیته با مفهوم اطمینان در جامعه پیشامدرن متفاوت است. از آنجایی که کانون استدلال من مربوط به رسانه های جمعی و اطمینان در دنیای عرب می شود، طبیعی است که در مورد استلزامات فرضیه های نظریه مدرنیزاسیون و تئوری رسانه ای برای تصور اعتماد نگران باشم.

ارتباط و اعتماد



احمد سعید

- کلید فهم ناتوانی دولت برای پیوند با یک جامعه بزرگتر و ناتوانیش در ایجاد هژمونی با استفاده از وسایل مدرن ارتباط جمعی، تصور ارتباط و اعتماد است. می توان مثال های متعددی مطرح نمود که اعتماد جوامع عرب به رسانه های جمعی دولتی از بین رفته است؛ یکی از نمونه ها در سال ۱۹۶۷ به وقوع پیوست، هنگامی که همه روزنامه ها، رادیو و تلویزیون عربی به مجری گری احمد سعید- گوینده مصری رادیو به مردم گفتند که ارتش های عرب، ارتش اسرائیل را شکست داده و هواپیماهای اسرائیل را به مانند ملخ ساقط نمودند. این خبرها مانع از آن نشد تا اعراب واقعیت های تلخی را که از منابع خارجی نظیر بی بی سی می شنیدند، باور نکنند. از این رو، اعراب اعتمادشان را نسبت به اطلاعاتیه های رسمی که از طریق رادیو و تلویزیون اعلام می گردید، از دست دادند.

- منظور از اعتماد، اعتماد و تکیه مردم به شخص و یا نهادهایی است که با ارزش هایشان مطابقت دارد، اما معنای اعتماد و سیستم های تشخیص از جامعه ای به جامعه دیگر متفاوت است. در جوامع سنتی اعتماد، به تعاملات رو در رو و سیستم ویژه ای از تشخیص وابسته است. ولی زمانی که ارتباطات پیچیده تر می شود و مردم از یک طرف جهان با نقاط دیگر آن ارتباط برقرار می سازند. نهادها و مکانیسم های دیگری جایگزین سیستم های تشخیص رو در رو می گردد.

- اساس اعتماد مدرن دست یابی به سیستم و مهارتی است کهئی تعاملات رو در رو را از تعاملات غیر رو در رو نشخیص می دهد. این اعتماد مبتنی بر سیستم کارشناسانه، همان چیزی است که ما را مطمئن می سازد مادامی که از قواعد راهنمایی و رانندگی پیروی می کنیم، از مسیر منحرف نخواهیم شد.

- این نوع از اعتماد است که حتی دشمنان ایالات متحده را به دلار آن کشور معتقد و ایالات متحده را به تضمین نرخ مبادله متعهد می سازد. بعضی از نظریه پردازان مدرنیزاسیون که معتقد به **اختلاف آشکار جوامع سنتی و جوامع غربی** هستند، استدلال می کنند که این اعتماد، امری مدرن است و در یک وضعیت سنتی نظیر جهان عرب کارایی ندارد. امروزه شواهدی که از حوزه های مختلف به دست آمده نشان داده است که جهان عرب نسبت به آنچه ابتدا به نظر می رسید، بسیار پیچیده تر است.

- سیستم اعتماد اعراب به صورت گزینشی، تفکیک شده و بسیار پیچیده است. اعراب به کارآیی تلویزیونشان اعتماد دارند، اما به ندرت نسبت به پیام هایی که ارسال می نماید، اعتماد می کنند. در مورد امور مالی، بعضی از اعراب اعتماد دارند که نهادهای مالی موجود در خارج از مرزهای ملی بسیار بیشتر از نهادهای مالی محلی قابل اعتماد است؛ در غرب سند کتبی از غیر کتبی اعتبار بیشتری دارد، ولی در جهان عرب این موضوع اغلب وارونه است.

- اعتماد، خواه شخص در جامعه مدرن زندگی کند و یا به فرض در جامعه سنتی، همراه و همگام با محیط زبان شناسیف مبنای معرفتی و نمادها و تقابل های تقسیم شده ای است که ئدر ان جامعه وجود دارد. ارتباط مطمئن در جهان عرب به طور معمول در قالب سنتی اسناد مطرح می شود. البته این شیوه ای است برای پخش احادیث پیامبر (ص)؛ شیوه ای برای پخش بیانات معتبری که نه تنها اطلاعات دقیقی دارد، بلکه نام شخص و یا اشخاص گوینده را نیز بیان می کند. قابلیت اعتماد به این احادیث به زنجیره نشکسته و محکم آنانی وابسته است که بیانات پیامبر(ص) را اظهار می دارند. «اگر چه این مدل در حوزه مذهبی بیشتر رواج دارد، اما با توجه به اعتماد از طریق اعتبار، به یک جامعه بزرگتر شکل می دهد. اطلاعات مورد اعتماد که از زمان ها و مکان های دور می آید.

- نیازمند اثبات و همچنین تخصص ویژه ای است که اخبار درست را از اخبار نادرست تشخیص دهد. از آنجا که اطلاعات از زمان های مختلفی در دسترس است، به نظر می رسد که آنان امروزه به آسانی می توانند به گزینش داده ها و طلاعات بپردازند. این کاری است که آنان با ملاحظه اطلاعات منتشر شده از طریق رادیو، تلویزیون و اینترنت به طور روزانه انجام می دهند.

فن اوری اطلاعاتی و دگرگونی های سیاسی: سه مورد از جهان عرب

- به استثنای شمار اندکی از مولفان نظیر «ویلیام روف» که بررسی گسترده ای در خصوص مطبوعات عرب انجام داده اند، تحلیل اندکی در خصوص رادیو و تلویزیون و تاثیرشان در جهان عرب در دست است. جدید ترین کتاب «داگلاس بوید» در خصوص پخش برنامه در جهان عرب کتاب بسیار خوبی است، اما جنبه تحلیلی چندانی ندارد. از این رو تا وقتی که رسانه های جمعی قدیم و تاثیرشان به طور کامل بررسی نشده اند، ارزیابی رسانه های جمعی جدید بسیار مشکل است. با وجود این، از طریق ارایه نمونه های رسانه ای در سه کشور از جهان عرب، یعنی عربستان سعودی، قطر و مصر قصد آن داریم تا هشدارهایی در خصوص نقش رسانه های جدید و توانایی شان برای دگرگونی جوامع عربی ارایه دهیم. در این جا نیز کانون استدلال، ارتباط میان این وسایل اطلاعاتی و اعتماد است.

۱- عربستان سعودی، مخالفان، نمابر و اینترنت

- در هیچ جای جهان عرب به اندازه سواحل خلیج فارس، توانایی دست یابی به فن آوری های جدید وجود ندارد که در آن میان، عربستان سعودی با توجه به میزان سرمایه گذاری خود رد فن آوری های جدید در راس قرار می گیرد. بر اساس داده های گردآوری شده در سال های ۱۹۹۴-۱۹۹۷ افزایش چشمگیری در تعداد برنامه های اینترنتی این کشورها صورت گرفته است؛ برای نمونه در سال ۱۹۹۵ تعداد برنامه های اینترنتی بحرین صفر بود، اما در سال ۱۹۹۶ این تعداد به ۱۴۲ برنامه رسید و در سال ۱۹۹۷ تعداد سایت های خبری به ۸۴۱ سایت رسید. از این رو بین سال های ۹۷-۱۹۹۵ افزایش استفاده از اینترنت ۳۹۳ درصد بوده است. (۱۲)

- اگرچه برخی نگران فاش کردن و شمارش این اطلاعات هستند، ولی درک معنا و مفهوم این اطلاعات از اهمیت زیادی برخوردار است. در این راستا، بررسی مورد عربستان بسیار آموزنده است، زیرا نحوه استفاده از این فن آوری ها را هنگام وجود اعتماد یا عدم اعتماد مردم نشان می دهد. از زمان ورود نمابر، اینترنت و استفاده مخالفان از آنها در کشور عربستان، رسانه ها و تحلیل گران غربی پیش بینی نمودند که دوت سعودی نمی تواند در برابر این موج جدید مقاومت کند، حتی بعضی حدس می زدند که نظم سیاسی این شیخ نشین رو به زوال گذاشته و فقط چندماه با فروپاشی فاصله دارد و با فشار دکمه عوض و تغییر کانال ها در داخل کشور، این موضوع تحقق پیدا می کند.

- مخالفان سعودی در خارج از کشور، به خصوص کمینه دفاع از حقوق مشروع که در لندن مستقر است به طور فوق العاده از ابزارهای مدرن ارتباطی برای رسیدن به اهداف خود استفاده کرده اطلاعیه هایشان را از طریق نمابر برای ۶۰۰ تن از اعضای خود در داخل عربستان ارسال می دارند، یک تلفن رایگان برای ارتباط با دفترشان در لندن فراهم و یک صفحه سفید خبری در اختیار دارند. اما بعد از گذشت چند سال مخالفان که سود گیرنده اصلی نیروی ویرانگر فن آوری جدید ارتباطی بودند، اعتبار خود را ب میزان زیادی در داخل کشور از دست دادند. برای اثبات این موضوع دلایل متعددی وجود دارد.



سعد الفقيه

• در سال ۱۹۹۶ میان رهبران کمیته دفاع از حقوق مشروع، یعنی محمد المساری و سعد الفقيه اختلاف و دو دستگی روی داد. فقيه از کمیته جدا شد و گروه جدیدی را تحت عنوان جنبش اصلاح اسلامی در عربستان سعودی پایه گذار یکرد. این اختلاف حامیان داخلی شان را نیز دچار نوعی سرگشتگی کرد. (۱۷) علاوه بر این، در یک نظر سنجی همه سعودی هایی که مورد پرسش قرار گرفتند، بر وجه و شهرت نمابرهای کمیته دفاع از حقوق مشروع در ابتدای کار آنها، یعنی در اواسط دهه ۱۹۹۰، گواهی دادند، اما اشاره داشتند که این نمابرها متعاقبا وجهه کاریزماتیک خود را از دست داده و دچار روزمرگی گردیدند

- می رسید که زا رایانه برخوردار بوده و به زبان انگلیسی تسلط داشتند. این بخش از جامعه سعودی نیز بسیار غیر محتمل است که آشکارا اعتراض کنند و موقعیت برتر خویش را به مخاطره اندازند، مضافا اینکه آتش هرگز از اطلاعات محروم نبوده اند و در زمان حضور در داخل کشور به برنامه های رادیو بی بی سی و صدای آمریکا گوش می دهند و در خارج از کشور نیز روز نامه های انگلیسی زبان می خوانند، هم اکنون نیز با نصب آنتن های ماهواره ای می توانند اخبار مورد نیاز خود را از بی بی سی و سی و سی ان ان دریافت دارند.

موقعیت برتر خویش

- مشکل اصلی مخالفان سعودی در لندن اطلاعات و اعتماد است. در ۲ مارس ۱۹۹۸ آنان در سایت خبریشان اعلام کردند که شاه فهد مرده است و خانواده سلطنتی تا زمان تعیین جانشین این خبر را مخفی نگه داشته است (۱۸)

- علاوه بر مشکل اعتماد، مخالفان مقیم لندن و پیامهایشان در برخورد با وجه غالب گفتاری جامعه شکست خورد، این وجه غالب گفتاری شامل نوار کسات، مساجد محلی و ارتباط رودررو بود. اگر شخصی به واکنش دولت نسبت به مخالفان نگاه کند گفته می شود که آنان، اینترنت و دستگاه نمابر را مودر استفاده قرار می دادند، اما تلاش های اصلی دولت برای کنترل و سرکوب مخالفان بر توزیع نوار کاست و ایراد سخnrانی در مساجد تمرکز داشته است؛

مخالفان مقیم لندن

- زیرا تعداد زیادی از مردم به نوار کاست گوش می دهند تا اینکه متنی را بخوانند. بسیاری از آنان دستگاه ضبط صوت در اختیار دارند، ولی اغلب دستگاه نمابر ندارند. در مقایسه با تلفن، مردم عربستان سعودی از دستگاه نمابر استفاده کمتری به عمل می آورند و نمابر ها فقط در نهادهای رسمی جامعه نظیر نهادهای وابسته به دولت و بازرگانی ها که با دولت پیوندهای دارند و یا بین المللی هستند، مورد استفاده قرار می گیرند. از این خصوصیت ذاتی این فن آوری آثارش را محدود می کند و بعضی اوقات توانایی اش را برای به دست آوردن اعتماد کاهش می دهد.

- بنابراین ناکامی مخالفان که از شبکه اینترنت استفاده می کنند، از آنجا ناشی می شود که آنان نمی توانند از رویارویی رسانه های مختلفی که در حوزه های نوشتاری و گفتاری فعالیت می کنند، استفاده نماید. در حال حاضر ممکن است که رایانه این کار را به انجام برساند، اما این امر نیز مشروط به نصب سیستم صداگذاری است، در حالی که بعضی از کشورهای عربی اجازه نصب نصب این سیستم را بر روی رایانه نمی دهند. زیرا وقتی که مردم از رایانه برای مکالمات بین شهری و خارج از کشور استفاده نمایند. درآمد شرکت مالی تلفن کاهش می یابد. این امر نمونه خوبی از تنش میان دولت و منافع فردی در توزیع مزیت ها و معایب فن آوری جدید برای دولت و جامعه است.

تنش میان دولت و منافع فردی

۲- قطر: شبکه ماهواره ای الجزیره

- در جهان عرب، کانال الجزیره (قطر) محبوبترین تحلیل گر رسانه ای است، زیرا به مانند رسانه های غربی تقریباً همه اخبار و رویدادهای قابل شناسایی را پیگیری می کند البته مشاهده یک منظره رادیو- تلویزیونی به شیوه آمریکایی به معنای آن نیست که آزادی بیان در جهان عرب به طور کامل تحقق یافته است، بلکه به معنای نشانه و مصداقی از دموکراسی است. یکی از مشکلاتی که در این منطقه وجود دارد، قرائت های فرهنگی است. از این رو مهم است که شکل، محواف تاثیرات متقابل و چگونگی پیوند آن را با جهان عرب مورد ملاحظه قرار دهیم. همچنین ضرورت دارد تا ارتباط میان این شکل کانال های ارتباطی و اعتماد مورد ارزیابی قرار بگیرد.

قرائت های فرهنگی

- کانال خبری الجزیره در سال ۱۹۹۶ در دوحه قطر راه اندازی شد. **اصل و منشاء کانال الجزیره یک ایستگاه ساحلی بود** که در لندن (بخش عربی بی بی سی) قرار داشت بعد از اینکه این بخش تعطیل شد، کارکنان آن برای کار در دوحه و در یک ایستگاه جدید که تحت مالکیت خانواده سلطنتی قرار داشت، استخدام گردیدند.



مونا سیمپسون

• رییس هیات مدیره آن ایستگاه شیخ نمیر الثانی - یکی از اعضای خانواده سلطنتی بود. اگر چه الجزیره به طور فیزیکی در یک کشور عربی قرار دارد، اما همان خطی مشی قبلی را دنبال می کند، (۱۹) یعنی این ایستگاه می تواند به عنوان یک ایستگاه فراساحلی رودرروی دیگر دولت های عربی قرار بگیرد. عنوان رمان مونا سیمپسون، همه جا غیر از اینجا می تواند روابط الجزیره را با قطر و همچنین همه کانال های ماهواره ای دیگر دولت های عربی را به تصویر کشد. به عنوان نمونه، مرکز پخش خاورمیانه سعودی (ام بی سی) می تواند از هر کشوری به استثنای عربستان سعودی انتقاد کند. کانال ماهواره ای مصری ها نیز می تواند از همه کشورها به جز مصر انتقاد نماید.

- الجزیره بعد از چند سال فعالیت کماکان تحت حمایت مالی حکومت قطر دارد، زیرا آگهی های بازرگانی چندانی برای کاهش بار مالی خود نداشته است. محبوبیت الجزیره در جهان عرب به گزارش خبری آن از عملیات روباه صحرا در سال ۱۹۹۸ بر می گردد؛ زیرا برای نخستین بار، اعراب احساس کردند که رسانه های خبریشان بر خلاف صدای عرب در سال ۱۹۶۷ به آنان دروغ نگفته اند.

- اما اعتمادی که الجزیره برای مخاطبانش به وجود آورد، به تدریج به همان میزان که با محدودیت های ویژه سیاسی انطباق می یافت، کاهش پیدا کرد. از آنجا که در مورد الجزیره و تاریخچه اش مطالب متعددی عنوان شده، لازم است تا نکاتی چند را بیان نماییم که اگر چه در کانون هیجانات مربوط به این رسانه قرار گرفته و بر اساس بعضی از پیش بینی ها سیاست های عربی را تغییر خواهد داد، مورد غفلت قرار گرفته اند.

کانون هیجانات



- شروع کار الجزیره از بعضی جهات شبیه شبکه خبری سی ان ان بود. البته این منحصر به الجزیره نبود، زیرا اکثر برنامه های تلویزیون عربی به از برنامه های ایستگاه های غربی ب ترجمه های لفظ به لفظ یا نزدیک به لفظ به لفظ الگو گرفته اند؛ به عنوان مثال، برنامه «صبح بخیر امریکا»ی ای بی سی در تمام جهان عرب تحت عنوان «صبح الخیر یا مصر»، «صبح الخیر یا کویت» و مانند آن نمود یافته است. عربستان سعودی ترجمه آزادی تری از آن اصطلاح به عمل آورده است، آنچنان که آن برنامه «المملکه هذا الصباح» نامیده می شود. برنامه های دیگری نیز رد امتداد آن برنامه تدوین شده اند. به عنوان مثال تلویزیون مصر برنامه جدید و جذابی راه انداز کرده است که «وجیه الصحافه» (نگاهی به مطبوعات) نامیده می شود.



جمال عبدالناصر

• به هر حال آمادگی جهان عرب برای قرض گیری قالب ها و پر کردن آنها با عبارت های عربی، سنت درازمدتی است، حتی گروه های رادیکال و دولت ها به ترجمه متوسل می شوند. وقتی رادیکال های عرب می خواستند به ملت روحیه می ببخشند، به فکر یک رنسانس عربی که به «البعث» ترجمه شده است، افتادند که هم اکنون در سوریه و عراق حاکم است، اما با این حال باید میان یک برنامه مشهور تلویزیونی و تاثیرات واقعی اش تمایز قایل شد. اما از نظر محتوایی، الجزیره از ایستگاه رادیویی «صدای عرب» جمال عبدالناصر الگو گرفته است. برنامه عربی مناظره انتقادی است از کشورهای عربی به استثنای قطر که ایستگاه متعلق به خودش است و سوریه که زادگاه مجری برنامه است.

- به آسانی نمی توان برنامه مکالمه تلفنی شنوندگان الجزیره را با برنامه های مشابه آن در آمریکا مقایسه کرد. بر خلاف برنامه مکالمه تلفنی آمریکایی ها- برنامه های موجود الجزیره تحت کنترل هستند. تهیه کننده برنامه معمولا به آنهایی که ایستگاه خواهان حضورشان در برنامه و نیازمند به همکاری آنان است اطلاع می دهد.

- زمانی که ایستگاه خط آزاد داشته است. تهیه کنندگان معمولاً با کسانی تماس می گرفتند که اظهار نظر بکنند . دلیل این امر آن بود که **تماس بین المللی از کشورهای فقیر نظیر مصر و مراکش خیلی گران تمام می شد** و تعداد کمی از مردم حاضر به تقبل هزینه بالا برای انعکاس نظریاتشان به الجزیره می شدند.

- قاعده بازی این است که به هر مهمان اجازه داده می شود که با سه مخاطب تماس بگیرد، اما این کارها بیشتر در تئوری است تا در عمل، به عنوان مثال، اگر مناظره میان گروه های مخالف عربی را ببینید، مشکلات ایستگاه را به وضوح مشاهده می کنید. در یکی از برنامه ها، برخورد اصلی میان ملی گرایان عرب و اسلام گرایان علیه اعراب طرفدار غرب و غرب زده ها است. ملی گرایان و اسلام گرایان، از نقطه نظرات ایستگاه دفاع می کنند و مهمانان دیگر به ویژه اعرابی که طرفدار صلح با عرب هستند و می خواهند با اسرائیل در صلح و صفا زندگی کنند.



فیصل قاسم

- در موضع ضعف قرار دارند، معمولاً مجری برنامه «فیصل قاسم» بدون هیچ گونه نگرانی، از ملی گرایان حمایت می کند و هیچ تلاشی برای بی طرفی حداقل در ظاهر صورت نمی گیرد. این ایستگاه در یکی از برنامه های خود، یکی از نمایندگان طرفدار فرایند صلح گروه کپنهاگ به نام «عبدالله ام سعود» را در مقابل «امیر اسکندر» رئیس کمیته مخالف صلح با اسرائیل، قرار داد. مجری برنامه به دکتر سعود گفت که به مانند طرف مقابلش اسامی و شماره تلفن سه تن از حامیانش را ارایه بدهد تا با آنها تماس بگیرد.



فهمی هویدی

• اما در نهایت با اسلام گرایانی نظیر فهمی الهویدی و بعثیهایی نظیر مصطفی بکری تماس حاصل شد. در آن میان فقط یک نفر از سعود حمایت کرد. وقتی که سعود دلیل اینحادثه را که بر خلاف انتظارش بود پرسید، او گفت: «آنان (حامیان سعود) در دسترس نبودند» و این تنها بهانه ای بود که مجری برنامه توانست در پاسخ به سعود بدان متوسل شود. این برنامه در ۱۷ اگوست ۱۹۹۹ پخش شد.



مصطفی بکری

• در برنامه ای دیگر که در ۲۹ آوریل ۲۰۰۰ پخش شد، فیص قاسم بار دیگری از طرفداران پر و پا قرص صدام حسین یعنی مصطفی بکری را رو در روی یکی از فعالان مایوس فرایند صلح یعنی نبیل فوده قرار داد. علاوه بر حملاتی که توسط بکری صورت می گرفت، مجری برنامه در گفتاری خطاب به فوده گفت: «اسرائیل یک غده سرطانی است که باید با یک عمل جراحی از بدن خاورمیانه خارج شود»



رفعت سید احمد

- سپس با رفعت سید احمد اسلام گرای مصری حامی بکری تماس گرفته شده که خیانت فوده را محکوم کند اما فوده هیچ تلفن حمایت کننده ای نداشت. به عبارت دیگر، ایستگاه فقط با آنانی تماس برقرار می کرد که اسراییل و فرایند صلح را محکوم می کردند. این برنامه با یک حرکت تصنعی عالی پایان یافت که در آن، قاسم از بکری خواست تا با دوست مصری اش دست بدهد، اما بکری اظهار داشت که دستانش را آلوده نخواهد کرد. البته در جامعه مطبوعاتی قاهره، روزنامه الصبح بکری شناخته شده است که از جانب عراق حمایت می شود و بیشتر به اخبار عراق اهمیت می دهد تا به رویداد های مصر همچنین بکری به عنوان فردی شناخته شده است که فنوای ملی گرایانه ای صادر کرده است مبنی بر این که مصریان باید از حامیان فرایند صلح انتقام بگیرند و آخرین فتوایش علیه دکتر سعدالدین ابراهیم رییس مرکز توسعه ابن خلدون بود.



یوسف قرضاوی

• به استثنای اخبار نیم ساعته، تحلیل محتوایی الجزیره این مسئله را آشکار خواهد کرد که این کانال نقطه نظرات ائتلاف جدید خاورمیانه یعنی ملی گرایان بعثی و اسلام گرایان را نمایندگی می کند، ائتلافی را که دولت های عربی به طور تاکتیکی در خلال سال های گذشته تشکیل داده اند، اما هرگز به تحقق کامل نپیوست و الجزیره یکی از ارگان های این ائتلاف جدید است. یکی از چهره های مسلط الجزیره یوسف قرضاوی، عضو برجسته اخوان المسلمین مصر، است.

- از دیگر اعضای اخوان المسلمین می توان به احمد منصوری، قاسم جمیل آذر مجری الجزیره اشاره کرد و بعضی از مهمانانشان که نماینده ملی گرایان عرب هستند، در دیداری که در سال ۱۹۹۸ از اداره مرکزی الجزیره در دوحه داشتم، با طرز کار آن ایستگاه آشنا گردیدم و در گفتگو با آنها توانستم چهارگروه ایدئولوژیکی بعثیون ملی گرایان عرب ناصریست ها و اسلام گرایان را تشخیص بدهم.

- سوالی که در اینجا مطرح می شود این است که کانال تلویزیون الجزیره تا چه اندازه از کانال ام بی سی عربستان با کانال ماهواره ای مصر و یا کانال های سودان متفاوت است؟ یکی از این تفاوت ها این که الجزیره توانسته است به خاطر ارایه گزارش دقیق از اوضاع عراق در خلال عملیات روباره صحرا اعتماد بیشتری به دست آورد، در حالی که ایستگاه های دیگر نتوانستند به چنین اعتمادی دست یابند. این تفاوت به مانند تفاوتی است که میان روزنامه الحیاه {این روزنامه متعلق به عربستان سعودی است اما اولین روزنامه در لندن منتشر می شود} وجود دارد.

- در واقع، این نشان دهنده تفاوتی است که میان یک دولت عربی لیبرال ساحلی و یک دولت محلی محافظه کار مشاهده می شود. نوع ساحلی آن که متعلق به عربستان سعودی است تحت سرپرستی شرکت انتشاراتی سعودی و تحت مالکیت شاهزاده «احمد بن سلمان بن عبدالعزيز» است، ولی الحیاه متعلق به شاهزاده «خالد بن سلطان» بوده و نسبت به روزنامه های محلی عربستان سعودی تسامح بیشتری دارد.

- این احتمال وجود دارد که کانال های ماهواره ای جدید بتواند زبان سیاسی، فرهنگی عرب را تحت تاثیر قرار دهند، اما برای مرتبط ساختن این تاثیر به ظهور حوزه عمومی جدید، گسترش جامعه مدنی و تغییرات سیاسی - اجتماعی، باید پرسش های علی دیگری مطرح نمود. برای برقراری این پیوند راهی وجود ندارد چرا ارایه شواهدی که نشان بدهند فرهنگ عمومی جهان عرب به خاطر وسایل جدید ارتباطی تغییر می یابد و سپس نمونه ای که نشان دهد

- این تغییرات در فرهنگ سیاسی به دگرگونی های سیاسی منجر می شود. بنابراین فرد به ناچار با فقدان نهادهای واسطه ای میان شهروندان با سواد و دولت مواجه می شود و تجمیع و بیان منافع مبتنی بر اطلاعات جدید، بدون نهادهای واسطه تقریباً امکان پذیر نمی باشد. به علاوه دست دولت عربی در چهارچوب محلی به شدت بسته است و از این رو ممکن است قادر به شکل دادن به یک گفتمان نباشد، اما می تواند پارامترهایی برای گفتمان تعیین نموده و قواعد بازی را در هر زمان تغییر دهد.

۲- مورد مصر

- اگر به مصر، جایی که یک سوم مردم عرب در آن زندگی می کنند، بنگرید با اطلاعات موجود شگفت زده خواهید شد. در وهله اول خواهید دید که **نرخ سواد در آن کشور ۵۰ درصد است**. دوم آنکه تعداد خطوط تلفن در آن کشور در سال ۱۹۹۹، شش میلیون خط بوده است و تعداد استفاده کنندگان اینترنت به ۲۰۰ هزار نفر می رسید. البته این احتمال وجود دارد که این تعداد شماره تلفن، توسط افراد متعددی مودر استفاده قرار بگیرد.

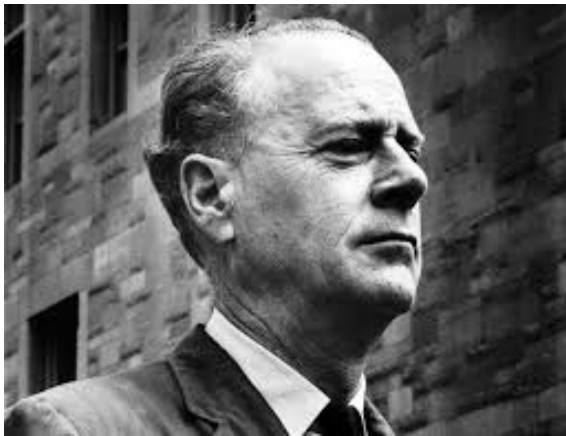
- استفاده از تلفن همراه مطابق آمار شرکت عمده توزیع آن ۶۰۰ هزار است از این رو استفاده از تلفن همراه سه برابر استفاده از اینترنت می باشد. این سخن بدان معنا است که نیمی از مصریان به طور شفاهی و گفت و گوهای رو در رو کسب اطلاع می کنند، در حالی که نیمی دیگر با اکراه از حوزه نوشتاری سود می برند (۲۲)

شفاهی و گفت و گوهای رو در رو



انور سادات

• اواخر دهه ۱۹۷۰، تعدادی از مخالفان فعال انور سادات (۱۹۷۰-۱۹۸۱) احساس کردند که اگر حکومت مصر اجازه استفاده از ماشین تایپ و دستگاه کپی را به مردم بدهد، آنان می توانند رژیم را سرنگون کنند. آنان بر این تصور بودند که اقدام سادات در کنترل اطلاعات و عدم آگاهی مردم در مورد رژیم باعث پایداریش می گردد. ما در دهه های بعد، دولت نه تنها اجازه استفاده از ماشین تایپ را به مردم داده است بلکه دستگاه های نمابر، کپی و در نهایت استفاده از رایانه و اینترنت را نیز مجاز دانسته است.



مارشال مک لوهان

- به رغم تفاوت حوزه آزادی سیاسی میان حکومت انورسادات و حسنی مبارک چندان با قاطعیت نمی توان گفت
- می توان نفوذ و تاثیر دیگری از ۱۳ حزب مخالف مصر پیدا کرد. از این رو می توان جمله مشهور مک لوهان مبنی بر این که «یک رسانه یک پیام است» را به جمله «یک رسانه یک حزب است» در مورد احزاب مخالف مصر تغییر داد. دلایل این امر متعدد است اما تا آنجایی که به کار ما مربوط می شود، ناکامی آنها در کسب اعتماد مخاطبانشان علت اصلی آن است.

- به علاوه مشکلاتی ارتباطی وجود دارد که از گسست زبان روزنامه و زبان عمومی جامعه ناشی می شود. کانون این جدایی ممکن است فقدان اعتماد و این حقیقت باشد که گویش مخالفان مدرن مصر، کلمات نوشتاری و عربی رسمی است، در حالی که حوزه انتخاباتی (حوزه رای دهندگان) این مخالفان در بخش های بی سواد، شفاهی بومی قرار دارد. در جهان عرب ارتباط ابتدا از طریق نهادهای غیر رسمی نظیر ارتباط متقابل افراد، مسجد و بازار منتقل می شود. به قول گیدنز نهادهای «**رو در روی**» وجود دارد که اعتبار پیام و شخص گوینده را بیان می کند و قابلیت اعتمادشان اثبات شدنی است.

- مشکل عمده ارتباطات سیاسی در مصر و به طور کلی در جهان عرب این است که اعتماد به نهادهای مدرن دولتی و نظام کارشناسی بسیار اندک است. این بدان علت نیست که اعراب در جهان پیشامدرن زندگی می کنند. **اعراب بدون احتساب زمان و مکان، به وسایل مدرنیته دسترسی دارند.**

- آنان ترجیح می دهند که پولشان به دلار باشد تا به پول محلی، اگر چه بعضی از آنها هرگز در ایالات متحده نبوده اند آنان به دلیل تجربیات قبلی به پول ایالات متحده اعتماد دارند، حتی اسلام گرایان رادیکال که شعارهای ضد آمریکایی سر می دهند پولشان را به دلار تبدیل می کنند. همچنین به این اعتماد دارند که ماشین های ژاپنی خراب می شود. از این رو استدلال نویسندگان این نیست که اعراب به دلیل خارجی بودن و یا عرب بودن رسانه ها به آنها اعتماد ندارند، بلکه شبیه هر کس دیگری انتخاب می کنند که به چه چیز اعتماد کنند یا به چه چیز اعتماد نکنند.

مطالعات مربوط به تلویزیون مصر نشان می دهد که روستاییان برنامه های سرگرمی را ترجیح می دهند و تعداد کمی از آنها اخبار یا برنامه های عمومی را می بیند و آنانی که برنامه های عمومی را نگاه می کنند، برنامه های کانال های خارجی مانند برنامه های بی بی سی، رادیو مونت کارلو و صدای آمریکا را ترجیح می دهند. (۲۴)

می توان بعضی از دلایل اسامی ناکامی ابزارهای مدرن ارتباطی را در به دست آوردن اعتماد در تکوین اجتماعی عرب شناسایی کرد. یکی از این دلایل به حوزه مبادلات نمادین، قواعد حاکم بر آنها و زبان ها و نمادهای مورد استفاده در این مبادلات مربوط می شود که در این خصوص می توان به فقدان ارتباط میان حوزه شفاهی و حوزه نوشتاری میان باسوادان و بی سوادان و میان عربی مدرن و عربی محلی و دیالکتیک جامعه اشاره کرد. بعضی از محققان ارتباط میان گفتمان اقتدار آمیز محلی، رسانه ها و دیگر ابزارهای مورد استفاده را تجزیه و تحلیل نموده اند (۲۵) این مشکل همچنین به واسطه فقدان ارتباط میان نهادهای رسانه ای سنتی از یک طرف و وسایل مدرن ارتباطی از طرف دیگر تشدید شده است. ارتباط میان گفتار و نوشتار فقط در صورتی می تواند اتفاق بیفتد که عربی نوشتاری استدلال های محلی و آنچه را که بورديو «زبان مشروع» می نامد، به کار برد. یعنی زبان دولت و نهادهایش تلفیق شود. در حقیقت ممکن است دولت نسبت به مخالفان شانس بیشتری داشته باشد، زیرا بر وسایل ارتباطی تکیه دارد که به حوزه گفتاری مربوط می شود. این وسایل ارتباطی، رادیو و تلویزیون هستند، به خصوص وقتی که پیام ها به وسیله اشکال ظریفی نظیر نمایش و سرگرمی ها به جای سخنرانی و موعظه مستقیم به افراد و گروه های مختلف منتقل می شود.

- برای آنکه ارتباط سیاسی مبتنی بر کلمات نوشتاری موثر باشد، دولت باید سطح سواد را افزایش دهد، اما موضوع سواد به واسطه ورود وسایل ارتباطی سمعی و بصری نظیر رادیو و تلویزیون دشوارتر شده است. این وسایل ارتباطی، اهمیت کلمات نوشتاری را به عنوان وسایل ارتباطی مدرن کم رنگ تر نموده است. رادیو بسیار بهتر از مطبوعات، حداقل در بخش سرگرمی – با بخش دومی جامعه ارتباط برقرار می کند، اما شناخت بافت اجتماعی روستاها از طریق دولت مستقر در شهر بسیار اندک است و آن زمانی است که دولت افتخارات ملت صحبت می کند یا از اسلام حمیت به عمل می آورد.

ارتباط سیاسی مبتنی بر کلمات نوشتاری

- دشواریهای مربوط به استفاده از کلمات نوشتاری در مطبوعات افزایش یافته و احتمال زیاد دارد که بیان زبان محلی در اشکال سمعی و بصری ارتباط به داخل اینترنت منتقل شود، به خصوص وقتی که در چارچوب یک پیام در می آید همچنین ذکر این نکته مهم است که زبان انگلیسی در اینترنت یک زبان مسلط است. اینترنت ممکن است استفاده از زبان محلی را بیشتر در ارتباط فرد به فرد مجاز بداند، اما در مورد ارسال پیام برای مخاطبان بیشتری ممکن است استفاده از آن امکان پذیر نباشد، اگر چه در بعضی از اشکال عربی رسمی امکان پذیر است.

نتیجه گیری

- اعتماد تشکیلات اجتماعی عرب به رسانه های جمعی شان به علت اعلام خبر دروغ از رادیو صدای عرب در خلال سال ۱۹۶۷ {اینکه اعراب در جنگ با اسرائیل پیروز شده اند، در حالی که واقعا جنگ را باخته بودند} از بین رفت. از آن زمان به بعد اعتماد عموم مردم نسبت به نهادهای رسانه ای کاهش یافت و دولت های عربی نیز تلاش اندمی برای تجدید آن به عمل آوردند. از این رو، جهان عرب یا به **سیستم های اطلاع رسانی کارآزموده** خارج از مرزهای ملی آن نظیر بی بی سی با سی.ان.ان متکی هستند یا به ارتباط رودررو یا منافع ابل اثبات اطلاعات محلی، ناتوانی ما برای درک انعطاف پذیری توده عرب در برخورد با فن آوری های اطلاعاتی، از پذیرش غیر انتقادی تئوری های مربوط به جهان عرب ناشی می شود.

- طبقه بندی زنان و مردان عرب تحت عنوان غرب زده، مدرن یا اسلام گرای سنتی اشتباه است؛ هیچ کس به طور کلی در حوزه مدرنیته گنجانیده نمی شود، بلکه افراد عرب در مواقعی از سنت و در مواقعی دیگر از مدرنیته استفاده می کنند. این امر، **تجسم شتر، چادر و تلفن همراه** در کنار همدیگر نیست و خیلی پیچیده تر از آن است. پیچیدگی جهان عرب از شفافیت فرهنگی، برخورد با مدرنیته و پست مدرنیته و هم اعتماد، به هر کدام از آنها ناشی می شود. این یک اعتماد کور نیست، بلکه اعتماد منفک شده است.

- از مباحث یاد شده آشکار شد این استدلال که ارتباط و پیوند میان فن آوری های اطلاعاتی جدید و ظهور جامعه مدنی یا حوزه عمومی به تنهایی منجر به تغییرات سیاسی می شود، دلیل قانع کننده ای نیست. در این خصوص مشکلات متعددی وجود دارد که بعضی از آنها به نحوه نگرش ما به این موضوع مربوط می شود، تعدادی دیگر به ارتباط ویژه این رسانه های مدرن با محیط محلی مرتبط است، اما مشکل اصلی موضوع ارتباط و اعتماد و پیوستگی موجود در بین آنها است.

ارتباط و اعتماد و پیوستگی

- بعضی از موضوعات مربوط به اعتماد که باید بسیار جدی گرفته شود شامل زبان، شکل و شیوه های اثبات و تایید اطلاعات پخش شده است. در مورد اینترنت آشکار است که زبان انگلیسی زبان اصلی است، اما به هر صورت زبان مورد استفاده کشورها بسیار مهم است. گروه هایی از مسلمانان ممکن است مانند سایر گروه های اجتماعی تشکیل شوند. همان طور که اجتماعات فرضی ممکن است، مانند دیگر گروه های اجتماعی تشکیل شوند.

- تغییر در زبان برای شرح و بسط گفتمان مسلمانان نکات مثبت و منفی دارد، اما استفاده از زبان انگلیسی در حوزه های رسمی نظیر نهادهای دولتی و بازرگانی به جز اثرات مفیدی که دارد، خود عامل پیچیده ای برای دیگر بخش ها است.



- برای اعراب با سطح سواد متوسط، امکان استفاده از انگلیسی مستلزم افزایش میزان سوادشان است که این امر به فرصت های شغلی شان لطمه می زند. با رایج شدن زبان انگلیسی در هندوستان مسلمانان آن را به عنوان یک مانع دیگر علیه برابری سیاسی- اقتصادی با هندوها برشمردند. ممکن است که مورد **هند** در جهان عرب تکرار بشود، اما ما را از پیچیدگی موضوع سواد آگاه می کند.

- به ناچار یک فرد باید این وضعیت را با وضعیت آفریقای شمالی مقایسه کند، جایی که زبان های دیگر(عربی، فرانسوی و زبان های محلی بربر) برای رسیدن به جایگاه مرکزی **رقابت** می کنند. دست کم در جهان عرب، مردم از عربی رایج برای برقراری ارتباط با یکدیگر استفاده می کنند..

- این مسئله ربطی به هزینه های مربوط به استفاده از اینترنت در جهان عرب بر حسب سخت افزار و نرم افزار ندارد. بعضی از مدافعان اینترنت میزان هزینه های راه اندازی آن را ناچیز می شمردند، اما حتی آنهایی که فرض می کنند هزینه های نرم افزار و سخت افزار تا اندازه ای سنگین است، اجازه نمی دهند که هزینه آموزشی رسانه های مورد استفاده آنها افزایش یابد. این موضوع به ویژه در دوره ای دارای اهمیت است که فشار شدیدی از طرف ایالات متحده، بانک جهانی و غیره برای کاهش هزینه های عمومی وارد می شود. اعراب مصرف کننده رایانه هستند تا تولید کننده از این رو مسایل وابستگی در اینجا نسبی است.

هزینه های مربوط به استفاده از اینترنت

- برای دانشمندان اجتماعی علاقه مند به جمع آوری اطلاعات از تلویزیون و ماهواره خیلی مهم است که موضوع زبان شناسی اجتماعی و شناخت اجتماعی را جدی بگیرند. به عنوان مثال، شناخت اسلام گرایی مستلزم آن است که شخص ببیند چرا موعظه **شیخ متولی الشعراوی** (۱۹۸۹-۱۹۱۱) - واعظ تلویزیون مصر و **سخنرانی نابینای فقید مخالف، شیخ عبدالحمید کیشک** (۱۹۹۶-۱۹۳۲) عامه پسند است، در حالی که گفتمان اسلام گرایان و ملی گرایان این گونه نیست.



شیخ عبدالحمید کیشک



شیخ متولی الشعراوی

- محبوبیت این دو شیخ در میان مصری ها از این حقیقت ناشی می شود که بر خلاف دیگر واعظان، هر دوی آنها زبان محلی را برای شح و توضیح قرآن به کار می برند، در حالی که **اسلام رسمی دولت** از طریق **نهاد الازهر** در ایجاد این ارتباط میان زبان محلی و زبان رسمی گفتاری و شفاهی ناکام مانده است و این علت اصلی راه نیافتن آن در داخل جامعه بزرگتر مصر می باشد. بنابراین اتفاقی نیست که اسلام گرایان به جای تراکت های نوشتاری برای ترویج پیامشان در مناطق عمومی قاهره و مناطق روستایی به نوار کاست متوسل ی شوند.

- جستجو درباره مسئله زبان می تواند به دانشمندان اجتماعی کمک کن تا زمانی که می بینند روشنفکران مارکسیست به آسانی وارد اردوگاه اسلامی می شوند، کمتر متعجب شوند. اگر شخصی زبان ملی گرایي دولت و اسلام گرایي رسمی را بررسی کند، خیلی سریع تصدیق خواهد کرد که هر دو گروه به عربی رسمی به عنوان وسیله نو کردن بخشی از زبان محلی تاکید می کند. هم اسلام گرایان و هم دولت، **حوزه زبان محلی و شفاهی** را به عنوان نشان عقب ماندگی می بینند.

- زیرا هم ملی گرایی دولتی و هم اسلام گرایی رادیکال بهشی از رژیم نوگرا هستند که در پیوند با حوزه بزرگتر گفتاری شکست خورده اند . اگر کسی این موضوع را بدین شیوه جست و جو کند، تعجب نخواهد کرد اگر ببیند مارکسیست نو شده ای نظیر عادل حسین، عضو حزب کارگر تحت کنترل اسلام گرایان، یک اسلام گرا بشود. از این رو مشکل نیست که اسلام گرایان، ملی گرایان و مارکسیست ها از زبان مشابهی استفاده نمایند و تعجب آمیز نیست که مارکسیست هاف اسلام گراها و ملی گرایان دولتی به آسانی وارد یک گروه ایدئولوژیک شوند و یا از آن خارج شوند.

حزب کارگر تحت کنترل اسلام گرایان

- در جهان عرب، به واسطه قدرت زیاد دولت و به مانند دیگر کشورهای اقتدار گرا، روزنامه نگاران منتقد دولت بهای گزافی بابت این کارشان می پردازند. از این رو، برای شناخت پویایی های سیاسی این جوامع مطالعه داستان با شنیدن سنخانی ها توصیه می شود

قدرت زیاد دولت

- . از آنجا که مورد دوم به راحتی در دسترسی نیست، گزارش های داستانی بهترین جایگزین است. نویسندگان ادبیات داستانی می توانند با این ادعا که کارشان داستانی است و هر گونه انطباق با واقعیت **صرفاً یک اتفاق** است، از مداخلات دولت در آسان باشند. حتی با این بهانه، بعضی از نویسندگان ادبیات داستانی در جهان عرب مورد آزار و اذیت قرار می گیرند.

- راه دیگر گردآوری اطلاعات در جهان عرب که به طور واقعی پویایی های سیاسی رژیم عراق را توصیف می کند، انتظار فروپاشی رژیم می باشد. فقط شخصی می تواند به اطلاعات واقعی دست بیابد که از آنچه در خلال دوره سیاسی اش گذشته است آگاه باشد. از این رو، عطف، به ما سبق کردن اطلاعات تاریخی بهترین روش حصول شناخت در مورد پویایی های سیاسی عربی است.

- اگر شخصی برای تحقیق در مورد دولت های معاصر جهان عرب مستاصل شده است اصل «فقط اینجا» برای او می تواند شروع خوبی باشد. از این رو اگر کسی بخواهد مصر را بشناسد، باید الجزیره را تماشا کند و مطبوعاتی را بخواند که از مصر نمی آید. اگر کسی بخواهد فعل را بشناسد باید همه مطبوعات عربی به استثنای مطبوعات قطر را بخواند فقط از این طریق است که می توان سیاست های عربی را شناخت. اگر کسی بدون ملاحظه این موارد مطبوعات عربی را بخواند و تلویزیون های عربی را ببیند، ناکامیش قطعی است.

- از این رو موضوع اصلی در جهان عرب اشاعه فن آوری های جدید اطلاعاتی نیست، مسئله عمده اعتماد است. **رسانه های دولتی در جهان عرب نتوانستند اعتماد مردم عرب را که در سال ۱۹۶۷ از دست دادند، دوباره به دست بیاورند.** حتی کانال الجزیره نیز که با پوشش خبری خود از عملیات روباه صحرا را در داخل عراق این اعتماد را به دست آورده بود، هم اکنون آن را از دست داده است.

- موضوع اینترنت در جهان عرب، داستان متفاوتی دارد. سایت آمازون در جهان عرب به خوبی پذیرفته نمی شود. علت این امر فقدان دسترسی اعراب به اینترنت نیست، بلکه علت آن است که آستانه اعتماد مربوط به خرید و فروش در اینترنت خیلی زیاد است، در حالی که گرایش به اخبار کانال تلویزیون مستلزم اعتماد به آن کانال است. خرید و فروش در اینترنت مستلزم اعتماد به کل سیستم است. هر کس به یک کارت اعتباری نیاز دارد تا بتواند از سایت آمازون استفاده کند. از این رو هر فردی نیاز دارد که به آنچه فروخته شده است و به نهادهای مالی موضوع آن کارت اعتماد داشته باشد. صرف داشتن اعتماد به واسطه و پیام کافی نیست، بلکه اعتماد به کل نظام اتماعی و اقتصادی و سیاسی نیز لازم است.

